

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مُوحِّدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَالْعِظَمَةَ؛

در زمان های قدیم پادشاه عادل و یکتاپرستی بود که ذوالقرنین نامیده می شد و خداوند به او قدرت و شکوه عطا کرده بود؛

كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ شَمَالًا.

ذوالقرنین بر مناطق وسیعی از زمین شرق و غرب و شمال حکومت می کرد.

ذَكَرَ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةُ بَعْدَ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ.

نام و کارهای نیک او در تعدادی از آیات قرآن بیان شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوَاضِعُ لَدَى الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجُيُوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفَسَادِ.

وقتی شرایط برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با سپاهیان و لشکریانش خود به سمت مناطق غربی زمین حرکت کرد

در حالی که مردم را به سوی یکتاپرستی و مبارزه با ظلم و فساد دعوت می کرد.

فَكَانَ النَّاسُ يُرَحِّبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقٍ فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِثْلُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيمَةٍ.

پس مردم در مسیر حرکتش به خاطر عدالتش به او خوشامد می گفتند و از او می خواستند که حکمرانی کند و کارهایشان را اداره کند،

تا اینکه به مناطقی رسید که در آن مرداب هایی بود که آب هایش بوی بدی داشت.

وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ.

و نزدیک این باتلاق ها قومی را یافت که برخی از آنان تبهکار و فاسد و برخی درستکار بودند.

فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَ خَيْرَهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَ هِدَايَتِهِمْ.

پس خداوند در مورد آنها و مورد خطاب قرارداد و به او در مورد جنگ با مشرکان فاسد از آنها یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد.

فَاخْتَارَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعَوَتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ.

ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها را به یکتاپرستی و ایمان به خداوند برگزید.

فَحَكَمَهُمُ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَّرَ شُؤْنَهُمْ.

پس با عدالت بر آنها حکومت کرد و فاسدین آنها را اصلاح کرد و کارهایشان را اداره کرد.

ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَاسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَهَيْبَتِهِ،

سپس با سپاهیانش به سمت شرق حرکت کرد. و بسیاری از امت ها از او اطاعت کردند و بخاطر عدالت و شکوهش از او استقبال کردند
حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّينَ يَعِيشُونَ عِيشَةً بَدَائِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِلْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَحُكْمِهِمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَأَصْلَحَ
حَيَاتَهُمْ وَعَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ.

تا این که به قومی غیر متمدن رسید که کاملاً ابتدایی زندگی می کردند، پس آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکمرانی
کرد تا اینکه آنها را به راه راست هدایت کرد و زندگی آنها را اصلاح کرد و به آنها یاد داد که چگونه زندگی کنند.

وَبَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ،

و بعد از آن به سمت شمال حرکت کرد، تا اینکه به قومی رسید که نزدیک تنگه ای بین دو کوه بلند زندگی می کردند،

فَرَأَى هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمَ عَظْمَةً جَيْشِهِ وَأَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ فَاعْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وَصُولِهِ؛

و این قوم عظمت سپاه وی و کارهای شایسته اش را دیدند و از رسیدن وی فرصت را غنیمت شمردند،

لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛

زیرا از دو قبیله ی وحشی که پشت آن کوهها زندگی می کردند در رنج و عذاب شدیدی بودند.

فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيْنِ وَالْآخِرِ مِنْ هَٰذَا الْمَضِيقِ؛

سپس به او گفتند: مردان این دو قبیله فاسد هستند هر از گاهی از این تنگه به ما حمله می کنند،

فَيُخْرِبُونَ بُيُوتَنَا وَيَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَهَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ.

و خانه های ما را خراب می کنند و اموال ما را غارت می کنند، و این دو قبیله همان «یأجوج و مأجوج» هستند.

لِذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَقَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍّ عَظِيمٍ،

به همین دلیل از او کمک خواستند و به او گفتند: از تومی خواهیم که این تنگه را با سد بزرگی ببندی،

حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَنَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا؛

تا که دشمن نتواند از آنجا به ما حمله کند و ما در این کارت به تو کمک می کنیم،

بَعْدَ ذَلِكَ جَاءُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَقَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ،

بعد از آن با هدایای زیادی نزد او آمدند، و ذوالقرنین آنها را نپذیرفت و گفت: بخشش خداوند بهتر از بخشش غیر اوست،

وَ أَطْلَبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.

و از شمامی خواهم که در ساختن این سد به من کمک کنید. مردم بخاطر آن خیلی خوشحال شدند.

أَمَرَهُمُ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ بَأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ،

ذوالقرنین به آنها دستور داد که آهن و مس بیاورند،

فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ،

سپس آن (مس) را در آن تنگه قرارداد و آتش را روشن کردند تا اینکه مس ذوب شد و در میان آهن وارد شد،

فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتَيْ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ.

و سدّ محکمی مقابل این دو قبیله شد، پس مردم از فرمانروای درستکار بخاطر این کارش تشکر کردند، وازدو قبیله یأجوج و مأجوج رهایی یافتند.

وَ شَكَرَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.

و ذوالقرنین از پروردگارش بخاطر موفقیت او در پیروزی هایش سپاسگزاری کرد.

نَفَهُمُ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.

از این داستان می فهمیم که حاکمان شایسته ی عادل ، نزد خدا و مردم محبوب هستند